



- ۱می روز کارگران و زحمتکشان ایران و جهان

دیگر بار ۱می روز کارگر جهانیان را در مقابل مسائل لاینحل این طبقه زحمت کش قرار میدهد که چگونه باید نابرابری ها و ظلم هائی که به زحمتکشان جهان تحمیل میشود را برطرف کرد. چگونه است که کشوری مثل ایران با درآمدهای نفت سرشار کارگران آن با ماهی ۳۰۰ هزار تومان میباید زیست کنند در جانی که حداقل خط فقر ۱ میلیون تومان است. چگونه است که در سال گذشته حداقل ۱۰۰ هزار کارگر بیکار شده اند و بطور مثال کارگران نساجی مازندران بیش از ۱۵ ماه است حقوق دریافت نداشته اند. سیاست های اقتصادی رژیم وابسته به امپریالیسم جهانی

فقط در تخریب فرصت های شغلی و اشتغال در جهت تأمین منافع سرمایه داری تجاری است این نوع سرمایه داری انگلی خطر ناک بیش برای اقتصاد ملی نیست این شکل سرمایه داری تنها زمانی میتواند به سود های کلان دستیابد که چرخ تولید درورنی را از کار انداخته تا بتواند از طریق واردات تولیدات کشورهای سرمایه داری به بازار مصرف ایران از بابت فروش آن کالا ها به سود خود بیفزاید. ورشکستگی بخش بزرگی از واحد های تولیدی ناشی از همین سیاست ای است که رژیم یغماگران اسلامی حاکم به اقتصاد ملی ایران وارد آورده است. بازاریان، دلالان سپاه و وابستگان به رژیم با انحصاری کردن اقتصاد کشور در دست خود، از سال ۵۷ اعلام جنگ علیه تولیدات درونی و تولید کنندگان را دادند. رژیم برای تخریب چرخ تولید و اشتغال طرح "خصوصی سازی را مورد اجرا گذاشت.

در سیر خصوصی سازی رژیم که معروف به "خودمونی سازی حکومتی" ها بود ده ها هزار چپاولگران وابسته به رژیم حاکم در مسیر سیاست های یغماگری اسلامی شان بعد از تسخیر مؤسسات تولیدی کارگران شاغل را اخراج و واحد های تولیدی را تعطیل کردند.

و نتیجه ۳۳ سال تجربه آن است که بخش بزرگی از تولیدکنندگان درون که کار آفرینان در بخش خصوصی بودند ورشکست و به همراه این ورشکستگی هر روز به تعداد بیکاران و فقر زدگان اضافه شده است. رژیم یغماگران اسلامی با ارقام دروغین و جعلی میکوشد واقعیات عینی فقر در کشور را پنهان کند. یک نمونه از فقر بیکران در ایران فریاد سالمندی در بندر عباس بود که در مقابل اسکورت شکنجه گر و ترویسست احمدی نژاد " فریاد بر می آورد که "احمدی نژاد من گرسنه ام" احمدی نژاد که به بی شرفی و بی اخلاقی آوازه ملی و جهانی دارد، ساندویچی در مقابل او پرتاب کرد.

حکومتی ضد مردمی جنایت پیشه بهتر از این نمیتواند با سالمندان و شهروندان فقیر ایران بر خورد کند. این رژیم، رژیم اسلامی است و بقول ابن خلدون که میگوید اسلام "برای یغماگری" آمده است.

(سال ترسانی ۸۰۸ AH / ۱۴۰۶ AD - March 19, 1332 AD / 732 AH) .

از جنایتکاران حاکم چه انتظاری که پیام اسلامشان به مردم ایران تابحال در عمل به یغما بردن هستی مردم ایران است

چپاول، دزدی و غارت اموال ملی توسط رژیم فاسد و تبهکار اسلامی را ما ۳۳ سال است که تجربه میکنیم .

میلیاردها دلار درآمدهای نفتی توسط عوامل رژیم تبهکار و باندهای مافیایی شرکا در جنایت و دزدی و تبهکاری، اسلام خور شد . و همچنان هرروز درآمدهای میلیاردی از نفت به چپاول میرود ..

فقردامنگیر تمامی عرصه های اجتماعی شده است . در استان های ایران میلیون ها نفر بیکار بسر میبرند

در بخش های استان کردستان ده ها هزار بیکاراند. برای معیشت زندگی روزانه بخشی از این افراد به کولبری مشغولند. رژیم فاشیستی اسلامی تابحال بیش از ۷۴ نفر از آنها را بقتل رسانده است و تعدادی از آنها در اثر اصابت با مین جان خود از دست داده اند. ویا بر اثر سرمای شدید مرده اند. مرزبانها رژیم با مردم بیکار و فقیر کرد با بکارگیری ه از شلیک با آنها مقابله میکنندو آنها را بقتل میرسانند. احمد شهید در گزارش مفصلی در مورد جنایات رژیم علیه مردم ایران به ابعاد این چنین قتل هائی اشاره کرده است. کولبران از فرط بیکاری و فقر است که دست به حمل کالای قاچاق میزنند و رژیم جنایتکار آنها را بقتل میرساند این در حالی است که در تمامی بنادر ایران سپاه جنایتکار رژیم، بنادر خصوصی ساخته است و کالای قاچاق را وارد ایران میکند بدون اینکه گمرک و عوارض بپردازد. بناد جنایتکاران سپاه و بسیج که کالای قاچاق به ایران را در دست دارند، چه مرزبانانی آنها را به خاطر عمل ضد قانونی به مسلسل میکشند. چه کسی جنایتکاران حرفه ای که اقتصاد ایران را با واردات خارجی ویران کرده اند به پای میز محاکمه میکشد؟ پس بنابراین کولبران رقبای پاسداران و بسیجی های جنایتکاراند. با فرق اینکه کولبران میخواهند زندگی خانواده خود را تأمین کنند و پاسداران و بسیج به ثروت های چپاول شده مردم ایران به حساب های خود با قاچاق کالا می افزایند..

تکلیف لشگر بیکاران و گرسنگان در شرایطی که رژیم فقر آفرین و فاسد اسلامی در ایران به وجود آورده است چی است جز مقابله همه جانبه با رژیمی که رسالت خود را در اشاعه فقر و فحشاء میبیند.

دامنه فقر و بیکاری را کارگران خودروسازی شهاب را که اکنون گرفته است و ۶۵۰ نفر کارگر با اخراج مواجه شده اند. از همه اسفناک تر تعداد بیکاران زن در ایران است که به دوبرابر مردان تخمیم زده میشود که در رژیم اسلامی با زن ستیزی نهادینه شده و مقوله جنسیتی در هیچ دستگاه و نهادی نیست که به مسئله ستم سالاری رژیم یغماگران اسلامی علیه زنان در محیط کار رسیدگی کنند..

زنان اکثراً از طرف کارفرمایان غارت میشوند و زنان از ترس اخراج از کار به هیچ مرجعی برای گرفتن حقوق خود مراجعه نمیکنند که بتوانند در سایه حمایت آن اعتراض کرده ولی از کار اخراج نشوند. در ایران، اول ماه مه، روز جهانی کارگر در حالی فرا می رسد که رژیم اسلامی، حکومت حامی منافع سرمایه داران وابسته و به ویژه سرمایه داری تجاری به سرمایه داری جهانی، آن را سال "تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی" نامیده است. رژیمی که به منظور جلوگیری از رشد جنبش های کارگری و عدم تشکل و وحدت کارگران، حتی در سندیکا ها و اتحادیه های صنفی شان، با سرکوب های سیستماتیک و عریان، صدای فعالین کارگری را در گلو خفه کرده و هر حرکت اعتراضی ای را با شلاق و شکنجه، زندان و چوبه دار جواب میدهد، مژورانه سال جدید را سال "حمایت" از کار و کارگر می نامد! رژیم اسلامی با باز گذاردن دست سرمایه داران در عدم پرداخت و تعویق دستمزد ها، تحمیل قراردادهای سفید، امضاء و یا اجرای قرارداد های کوتاه مدت "موقتی" که هدف از آن ها عدم پرداخت بیمه و حق بازنشستگی و خودداری از پرداخت حقوق حقه ناشی از استخدام های رسمی و دائمی، و استثمار هر چه شدید تر کارگران است، با بی اعتنائی نسبت به سرنوشت کارگرانی که دائماً به صورت دسته جمعی از طرف کارفرمایان از کار اخراج می شوند، شرایط دهشتناک تری را برای طبقه کارگر ایجاد می کند. در این راستا، اخراج های دستجمعی کارگران همچون اخراج حدود ۶۵۰ نفر از کارگران شهاب خودرو در مشهد، بیکار شدن حدود ۲۳۰ نفر از کارگران کارخانه تولید مواد غذایی "کیوان" در همدان، اخراج حدود ۱۵۰ نفر کارگران کُرد از کارخانه ی سیمان "کاوآن" در

شهرستان بوکان، اخراج تعدادی از کارگران کارخانه آرد مهاباد، اخراج حدود ۲۰۰ نفر از کارگران فولاد غرب، بیکار شدن حدود ۱۵۰ نفر از کارگران کارخانه‌ی نوید منگنز در اصفهان، و از طرف دیگر تظاهرات حدود ۸۰۰ نفر از کارگران صنایع فلزی ایران در اعتراض به عدم پرداخت بیش از ۸ ماه حقوق و بیمه معوقه در تهران، اعتصاب کارگران کارخانه نورد لوله صفا در اعتراض به عدم پرداخت دستمزد شان در ساوه، عدم پرداخت دستمزد کارگران نیروگاه برق نکاء در مازندران، اعتصاب کارگران کارخانه ریسندگی کاشان برای بهبود شرایط زندگی خود و... همه و همه نشان از این دارند که در سال جدید، گسترش بیکاری و فقر و فلاکت فزون بار تری برای کارگران در پیش است.

گسترش روز افزون اعتراضات و مبارزات کارگری در شرایط سرکوب عریان رژیم اسلامی و اخراج های دسته جمعی که به مواردی از آن ها در بالا اشاره شد، در حالی که به روشنی بیانگر اوضاع طاقت فرسانی است که بر محیط کار و زیست طبقه کارگر حاکم می باشد، در عین حال نشان می دهد که کارگران ما از چنان روحیه مبارزاتی برخوردارند که علیرغم همه شرایط دیکتاتوری و برقراری بساط شکنجه و چوبه دار در هر کوی و برزن، باز از مبارزه در جهت تحقق خواست های عادلانه خود دست نکشیده و رژیم دار و شکنجه اسلامی نتوانسته است آن ها را به سکوت و تمکین وا دارد. با توجه به این واقعیت که مبارزه اقتصادی کارگران در شرایط دیکتاتوری حاکم بر ایران خیلی زود با مانع سرکوب دولت روبرو شده و خصلت سیاسی پیدا می کند، ما در اقصی نقاط ایران در چند دهه اخیر شاهد مبارزات کارگران و مقابله رژیم اسلامی با آنان که حتی منجر به درگیری های خونین نیز شده است بوده ایم. این حقیقت به واقع بیانگر آن است که کارگران مبارز ایران، دهه هاست که جو مبارزاتی را در ایران برقرار کرده و رشد داده اند. کارگران مبارز ما در جریان همین مبارزات خود، هر چه بیشتر دشمنانشان را بهتر می شناسند و می بینند که نه فقط کارفرما ها و سرمایه داران بلکه رژیم حامی آن ها یعنی رژیم اسلامی در زمره دشمنان اصلی طبقه کارگر هستند.

این واقعیت بر کسی پوشیده نیست و کارگران آگاه و پیشرو به خوبی می دانند که پیش شرط زندگی در یک جامعه آباد و آزاد در ایران، در درجه اول از کاتال براندازی کلیت رژیم اسلامی و از طریق انقلابی می گذرد که به دست نیروهای لائیک، دمکرات، سوسیالیست و آزادی خواه با رهبری احزاب مترقی و دمکراسی خواه و بدن ایدولوژیک که جامعه را دیگر بار بسوی دیکتاتور و توتالیتر، از نوع دیگری، نتواند ببرد. این براندازی در مجموع باید با طبقه کارگر ایران و با ائتلاف، در اتحاد با دیگر اقشار زحمتکش جامعه متحقق گردد. امری که وظیفه هموار نمودن راه این انقلاب را در مقابل همه کارگران پیشرو و روشنفکران انقلابی این طبقه قرار می دهد.

هرچند مرحله انقلاب نیاز به خودآگاهی توده های زحمتکش و سازماندهی آن را طلب میکند و تشکیلات سیاسی اند که باید در این مسیر فعال گردیده و نیروی بلقوه را به فعل تبدیل کنند تا بساط ظلم و چپاول، شکنجه و قتل رژیم حاکم جمع شود، ولی تا آن زمان بهتر بگویم تا مرحله انقلاب معیشت کارگران و خانواده آنها چون گروگانی در دست رژیم خون خوار اسلامی و کارفرمایانی است، که ستم و چپاول کارگران و زحمتکشان را به سیاست کلی خود شکل داده اند و از این روست که آنچه هنوز بر زمین تولید مانده است، آن است که کارفرمایان هنوز معوقات کارگران را نپرداخته اند و کارگران طلب معوقات خود میکنند. فقر فزاینده کارگران در حالی است که رژیم فاشیستی اسلامی یغماگر حاکم، با به چپاول بردن دارائی های میلیاردی دولاری مردم ایران از بودجه کشور بعلت اختلاس ها نا روشن سران رژیم اسلامی در اثر رژیم اسلامی و ایدولوژیکی و فقدان ساختارهای لازم برای کنترل حکومت توسط مردم این رژیم به ثروت های افسانه ای رسیده اند، حکمرانان رژیم اسلامی در عوض اداره درست کشور، بهره گیری از نخبگان و کارشناسان و اقداماتی نظیر تقویت تولید داخلی با برنامه های نادرست یا اجرای نادرست برنامه هائی مانند پرداخت نقدی یارانه ها که تا کنون نتیجه ای جز تشدید بیسابقه گرانی و افزایش فشار معیشتی به شهروندان تهی دست نداشته، زندگی را بر زحمتکشان ایران تباه کرده اند. وارد کردن بی حد و مرز اقلام مصرفی به کشور، چه در صنعت و چه در بخش کشاورزی، به ورشکستگی روزافزون واحدهای تولیدی انجامیده و افزایش بیکاری و بالارفتن سرسام آور قیمت کالاهای مصرفی باعث شده که بجای آوردن نفت بر سر سفره ها فقر گسترده بر کشور حاکم گردیده است.

کارگران آگاه میدانند که عدالت اجتماعی با ایدئولوژی های رنگ و وارنگ تحت نام ایدئولوژیکی تامین نمیشود. در فقدان آزادی مبارزه سندیکائی کارگران پای نمیگیرد. تنها در یک دموکراسی پارلمانی است که سندیکاهای آزاد و مستقل کارگری میتوانند شکل بگیرند و آزادانه از منافع کارگران و زحمتکشان دفاع کنند. وجود سندیکاهای آزادکارگری مستقل و غیر وابسته به حکومت یا احزاب و گروه های سیاسی تنها تکیه گاه مطمئن و یکی از مهمترین ابزار مبارزه برای دفاع از منافع زحمتکشان است. سندیکاها باید سازمان یافته و نیرومند باشند تا بتوانند با تکیه به نیروی زحمتکشان از منافع آنان دفاع کنند. زحمتکشان ایران باید از هم امروز مبارزه با سیاست های فاشیستی اسلامی رژیم حاکم را در صدر برنامه های خود قرار دهند.

یک حکومت سوسیال دمکرات برخلاف حکومت دینی حاکم بر کشور، در کنار رعایت و تضمین حقوق و آزادی های مردم، وضع قوانین برای دفاع از منافع کار و کارگر و آزادی سندیکاهای آزاد و مستقل، دفاع از تولید داخلی و جلب سرمایه های داخلی و بین المللی به بازار کشور بمنظور افزایش تولید، بالابردن درجه اشتغال، توانمندی ها و در نتیجه آن بهبود سطح زندگی زحمتکشان و سایر آحاد جامعه را از جمله وظائف خود میداند. کار چنین حکومتی بعنوان دولت رفاه بجای اینکه تقسیم فقرا با خواباندن چرخ تولید باشد، فعال نگاه داشتن چرخه تولید و تقسیم ثروت از تولید است. اروپائی ها توانسته اند ثروت آفرینی را با سیاست دولت رفاه، احزاب سوسیال دمکرات تجربه کنند. الغای فقر در ایران را حزب سوسیال دمکرات ایران میتواند در ایران در دولت رفاه به سرانجام برساند.

حزب سوسیال دمکرات استقرار چنین حکومتی را فقط در زمانی ممکن میدانند که رژیم اسلامی در کلیت اش برانداخته شود آنگاه قدم اول برای حل مشکلات اقتصادی و همچنین بهبود وضع زندگی کارگران و زحمتکشان ایران با سیاست های اقتصادی که حزب ما در دست دارد الغای فقر با سرمایه گذاری در چرخه اقتصاد تولیدی و ثروت آفرینی به یک امر محوری تبدیل خواهد شد.

هرچند که نباید نادیده گرفت که بحران فزاینده اقتصادی جهان و تحریم های وسعت یافته در ایران

بحران های فلج کننده کنونی که نظام سرمایه داری را در سراسر دنیا فرا گرفته است را نمیتوان از مرز های ایران دور نگاه داشت. چون رژیم اسلامی که در کلیت اش به نظام سرمایه داری جهان به شعبه وابسته ای از آن تبدیل شده است

نمیتواند ایران را از بحران جهانی دور نگاه دارد. سیاست اقتصادی رژیم نه بر سیستم اقتصاد ملی، بلکه در بعد سیاست قدرت های امپریالیستی و طیف آنها عمل میکند، عمل کرد رژیم در تخریب صنایع ملی و چرخ تولید در ایران و عدم اشتغال آفرینی از همین وابستگی همه جانبه از مناسبات امپریالیستی ناشی میشود که در نهایت نتایج سیاست های رژیم را میتوان در فزاینده بیکاری، فقر و فحشاء دید.

قطع "سویسید" ها یا همان طرح "هدفمند" کردن یارانه ها در ایران که با رهنمود سازمان های مالی جهانی ای مثل صندوق بین المللی پول، بانک جهانی و سازمان تجارت جهانی صورت گرفته است، یکی از برنامه های "ریاضت کشی اقتصادی" ای است که کارگران و زحمتکشان ایران آن را با پوست و گوشت خود حس می کنند.

گزینه نهانی برچیدن رژیم وابسته به امپریالیسم و ایجاد مناسباتی قانونی است که بر حسب ارزش های جهانشمول لائیسیته جامعه از گزند دین تروریستی و چپاولگر برای همیشه در امان مانده و هر نوع تشکلات و احزاب سیاسی که دینی، قومی میباشند و نژاد پرستی را دنبال میکنند، در قانون اساسی ممنوعه اعلام میگرددند.

براندازی رژیم جنایتکار اسلامی امری ملی، مترقی و انقلابی است.

حزب سوسیال دمکرات ایران